رؤیاهایی که می‌آیند

ساسان گلفر
cinemaglobe.blogfa.com

زمانی برای قهرمانی بی‌عرضه‌ها

■ فعلا بچه‌های جاسوس، خون‌آشام‌های «شب وحشت» و موجودات افسانه‌ای «کنان بربر» در غیاب رقبای کمدی مطرح، عرصه گیشه سینما را برای تاختن در اختیار دارند. با این حال کمدی/ درام‌های عاشقانه هم جسته گریخته در فیلم‌های مستقل و به شکل محدود اکران‌شده این هفته حضور دارند و یک درام رمانتیک برگرفته از ادبیات عامه‌پسند نیز برای جذب بخش دیگری از مخاطبان دل‌نازک‌تر تلاش می‌کند.

■■■

بچه‌های جاسوس: همیشه در جهان ۴ بعدی

Spy Kids: All the Time in the World in 4D

رابرت رودریگز، کارگردان «شهر گناه»، «دسپرادو» و «قداره» در چهارمین فیلم از مجموعه فیلم‌های «بچه‌های جاسوس» خود به دوقلوهایی به نام ربکا و سسیل (رووان بلانچارد و میسن کوک) پرداخته که قدر مادرخوانده‌شان، ماریسا (جسیکا آلبا)، همسر گزارشگر امور جاسوسی، ویلبر (جوئل مک هیل) را نمی‌دانند و البته نمی‌دانند که ماریسا مامور بازنشسته OSS (سازمان برجاسوسان) است. هنگامی که یک سازمان خرابکار به رهبری فردی ملقب به «زمان نگه‌دار» (جرمی پیون) کل کره‌زمین را تهدید می‌کند، بچه‌ها و بزرگ‌ترها مجبور می‌شوند با هم دست به یکی کنند. در این فیلم ۸۰دقیقه‌ای که با بودجه ۴۰میلیون دلار تهیه شده است، ریکی گراویاس، آلکسا وگا و داریل سابارا نیز بازی می‌کنند.

یک روز

One Day

در این فیلم که از رمانی پرطرفدار به همین نام نوشته دیوید نیکولز، نویسنده انگلیسی، اقتباس شده است، دو فارغ‌التحصیل دانشگاه ادینبورگ، اما (آن هاثاوی) و دکستر (جیم استورجس) دوستی را آغاز می‌کنند که یک عمر ادامه می‌یابد. اما، دختری بلندپرواز از طبقه کارگر است که اندیشه ساختن دنیایی بهتر برای همه مردم را در سر می‌پرورد و دکستر، پسر ثروتمندی است که دوست دارد همه دنیا زمین بازی او باشد. در طول دو دهه، آنها مهم‌ترین اتفاق زندگی خود را هر ساله در روز ۱۵جولای تجربه می‌کنند. لون شرفیگ، این درام عاشقانه محصول مشترک انگلستان و آمریکا را کارگردانی کرده است. زمان نمایش فیلم ۱۰۸دقیقه و درجه‌بندی آن پی‌جی ۱۳ است.

کاغذ مگس‌کش

Flypaper

فیلم کمدی و گاه جدی «کاغذ مگس‌کش» را یان‌لوکاس و اسکات مور (نویسندگان «خماری») نوشته‌اند و راب مینکوف (که عمده شهرتش را مدیون کارگردانی انیمیشن‌های دیزنی مانند «شیر شاه» و «استوارت کوچولو» است) آن را کارگردانی کرده است. در این فیلم، مردی که در کشاکش دو سرقت بانک که همزمان رخ داده‌اند، گیر افتاده است، نومیدانه تلاش می‌کند تا تحویلدار بانک را که مخفیانه به او دل بسته است، از این مهلکه نجات دهد. پاتریک دمپسی، اشلی جاد، جفری تامبور، مت رایان و تیم بلیک نلسن از جمله بازیگران این محصول مشترک آلمان و آمریکا هستند که در لوکیشن‌های لوییزیانا فیلمبرداری شده است.

گریف نامریی

Griff the Invisible

گریف (رایان کوانتن)، روزها کارمند بی‌عرضه و توسری‌خور اداره است و شب‌ها ابرقهرمانی نامریی که خیابان‌ها را از اراذل و اوباش پاکسازی می‌کند. مشکلات گریف وقتی شروع می‌شود که او دل به ملودی (مِیو درمودی) دانشمند می‌بازد و علایقش را با او در میان می‌گذارد. این کمدی رمانتیک استرالیایی که در فرمت ۱۶میلی‌متری فیلمبرداری شده را لئون فورد نوشته و کارگردانی کرده است. این کمدی رمانتیک برای اولین‌بار در جشنواره فیلم تورنتو و بعد در جشنواره برلین حضور یافت و عمدتا مورد استقبال تماشاگران نوجوان قرار گرفت. زمان نمایش فیلم ۹۰ دقیقه است.

عکس: CinemaBlend

گفت‌وگو با رابرت رودریگز درباره «بچه‌های جاسوس: همیشه در جهان چهاربعدی»

می‌خواهم فیلم پنج‌بعدی بسازم

جف اوتو/ترجمه: سید حسام فروزان

رابرت رودریگز واقعا سرش شلوغ بوده است؛ اما برای این نویسنده، کارگردان و فیلمساز خلاق این نکته جدیدی نیست و به‌نظر می‌رسد، دوست دارد به همین شیوه عمل کند. او علاوه بر ۱۱ فیلمی که پس از فیلم مستقل و کم‌بودجه اولش «ال ماریاچی» ساخته، تقریبا وارد بیشتر رشته‌های فیلمسازی شده است و به هرکدام ناخنکی زده است. جالب است که او پولی را که برای انجام آزمایش‌های پزشکی جمع کرده بود برای ساخت فیلم اولش صرف کرد و با آن فیلم، پدیده تازه‌ای به نام رابرت رودریگز به سینما معرفی شد. رودریگز در فیلمنامه‌نویسی، تدوین، تهیه‌کنندگی، جلوه‌های ویژه دیجیتال و موسیقی و آهنگسازی تجربیاتی کسب کرده است که شرط می‌بندیم هرکدام در نوع خود جزو بهترین‌ها بوده‌اند. حالا رودریگز تصمیم گرفته است استودیو Troublemaker را توسعه دهد و کارگاه فیلمسازی‌ای به نام Quick Draw برای خودش راه بیندازد. درست پس از اعلام این تصمیم، رودریگز قصد دارد نسخه بازسازی‌شده‌ای از «بچه‌های جاسوس» نمایش دهد که عنوانش هست «بچه‌های جاسوس: همیشه در جهان چهاربعدی». در این فیلم بچه‌های جدیدی مثل ربکا (روان بلانشار) و سِسیل (میسون کوک) بازی می‌کنند. به علاوه مادری جاسوس (جسیکا آلبا) و همچنین پدری جاسوس (جوئل مک‌هیل) و البته یک ضدقهرمان جدید با بازی جرمی پیون. با رابرت رودریگز درباره بازسازی «بچه‌های جاسوس» و پروژه‌های متنوع و تمام‌نشدنی او (مثل «شهر گناه ۲») گفت‌وگویی ترتیب داده‌ایم.

■■■

چه چیزی باعث شد که نسخه ویژه‌ای از «بچه‌های جاسوس» را بازسازی کنید؟

ما سه فیلم پشت سرهم در طول یک سال ساختیم. باید سریع فیلم‌ها را تمام می‌کردیم، چرا که بچه‌ها داشتند بزرگ می‌شدند. در نتیجه وقتی یک فیلم را تمام کردیم و دیدیم که واقعا موفق بود بلافاصله به سراغ فیلم بعدی رفتیم. در نتیجه «بچه‌های جاسوس» در زمان خودش تبدیل به یک مجموعه کوچک از فیلم‌های ابتکاری و سریع شد. «بچه‌های جاسوس یک» زمانی ساخته شد که کسی فیلم خانوادگی نمی‌ساخت. جای چنین فیلمی خالی بود و من فکر کردم که آن موقع بهترین زمان برای ساختن چنین فیلمی است.

وقتی من بچه بودم با خواهرم از علاقه‌مندان واقعی «فرار از کوه جادوگران» بودیم که در آن دو بچه بودند که قدرت زیادی داشتند. هرگز ندیده بودیم که بچه‌ها تا این حد قدرتمند شده باشند. چه کسی اهمیت می‌داد که بزرگ‌ترها چه می‌گفتند. بزرگ‌ترها داشتند درباره چیزی بحث می‌کردند، حدس می‌زنم که فیلم، ستارگان بزرگی هم داشت اما ما فقط روی بچه‌ها تمرکز کرده بودیم و من می‌خواستم با «بچه‌های جاسوس» چنین کاری بکنم، طوری که واقعا بچه‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. «بچه‌های جاسوس» فیلم پرفروشی شد. من فیلمبرداری دیجیتال را در قسمت دوم شروع کردم که باعث شد بفهمم چطور می‌توانم با گذاشتن دو دوربین همزمان و فیلمبرداری دیجیتال کار را سه‌بعدی کنم. این مهم‌ترین دستاورد فیلم‌های «بچه‌های جاسوس» بود و باعث تجدید حیات سینمای سه‌بعدی شد. ما یکی از اولین‌ها بودیم. من برای آن فیلم عینک‌های سه‌بعدی را مجانی به تماشاگران دادم. (می‌خندد) در آن موقع آلکسا کاملا بزرگ شده بود. او دختری ۱۳ساله بود و واقعا قدش بلند شده بود، در نتیجه ما نمی‌توانستیم فیلم چهارم را هم بسازیم. سه عدد خوبی به نظر می‌رسید و تازه شما چطور می‌توانستید در آن زمان به اوج سه‌بعدی برسید؟ بنابراین ما آنجا متوقف شدیم و سراغ کارهای دیگری رفتیم.

در طول این سال‌ها خانواده‌ها، پدر و مادران و بچه‌های دیگری بوده‌اند که پیش من آمدند و گفتند که چقدر «بچه‌های جاسوس» را دوست داشته‌اند. آنها فیلم را در تلویزیون یا ویدیوکلوپ کشف کرده بودند. اینجا بود که من فهمیدم هنوز به بچه‌های جاسوس نیاز داریم. این‌طور نبود که وقتی من از این کار بیرون آمدم فیلم‌های دیگری بیایند و جای «بچه‌های جاسوس» را بگیرند. هنوز جای خالی چنین فیلمی وجود داشت.

این روزها وقتی بچه‌های خودتان را به سینما می‌برید، حس می‌کنید اصلی‌ترین عاملی که از دست رفته، چیست؟

قدرت گرفتن بچه‌ها برای کودکان موضوع مهمی است. به همین دلیل وقتی ما کمی جوان‌تر بودیم از خودمان می‌پرسیدیم چرا برادر کوچک‌مان «پاور رنجرز» را دوست دارد؟ خب، برای اینکه بچه‌هایی که در آن هست، خوب جاافتاده‌اند. قدرتمند شدن در واقع برای بچه‌ها در آن سن موضوعی کلیدی است و بارها و بارها تماشایش می‌کنند. بچه کوچک خود من حسابی طرفدار «بچه‌های جاسوس» بود، بدون اینکه بداند من آنها را ساخته‌ام! بنابراین من دریافتم که باید مجموعه‌ای دیگر بسازم. ایده‌ای خیلی طبیعی به ذهنم آمد. وقتی جسیکا آلبا را در زمان فیلمبرداری فیلم «قداره» دیدم که سرتاپا لباس پوشیده بود و یک بچه با پوشکی در حال انفجار در بغل داشت. (می‌خندد) اما خدای من او الان مادر است، ما می‌توانیم از او استفاده کنیم و نقش جذاب‌ترین مادر جاسوس را که تا به حال در بچه‌های جاسوس سابقه نداشته به او بدهیم. بنابراین من ایده را با جسیکا در میان گذاشتم و او هم معتقد بود که ایده عالی است.

به‌نظر می‌رسد شما به نوعی استادی در تغییر فضا رسیده‌اید، اینکه از فیلمی بزرگسالانه مثل «قداره» به فضای شاد و سرخوش «بچه‌های جاسوس» می‌رسید.

وقتی ما در حال فیلمبرداری «قداره» بودیم، خانواده‌هایی بودند که درگیر فیلم بودند. جسیکا بچه خودش را داشت، بچه‌های من آنجا بودند. من از خانواده‌ای هستم که ۱۰ بچه داشت و خود من پنج بچه دارم. شما از آنها الهام می‌گیرید. باید یک جایی این الهامات را بروز دهید. نمی‌توانید این چیزها را در فیلمی مثل «قداره» بریزید. در نتیجه خیلی خوب است که جایی باشد تا این افکار را بشود نشان داد.

شما سه‌بعدی را به «بچه‌های جاسوس ۳» آوردید و حالا چهاربعدی و آروماسکوپ که به نوعی بازگشت به عقب محسوب می‌شود. برای «بچه‌های جاسوس ۵» احتمالا چه کار خواهید کرد؟

احتمالا به سمت پنج‌بعدی می‌روم. الان ایده‌ای برایش دارم اما هنوز نمی‌توانم بگویم چی هست. یک مورد آماده برایش دارم.

شما این فیلم‌ها را کاملا در آغوش خودتان نگه داشته‌اید و همه آنها را خودتان کارگردانی کرده‌اید. آیا سری «بچه‌های جاسوس» را طوری می‌بینید که بتوانید کارگردانی قسمت‌ها را به کس دیگری بدهید و خودتان بیشتر تولید کنید؟

بستگی دارد. اگر این یکی خوب از کار دربیاید و استودیو بخواهد بلافاصله یکی دیگر بسازد و من مشغول «شهرگناه ۲» یا چیز دیگری باشم، به آنها می‌گویم که فقط تهیه و پخش‌اش را بر عهده می‌گیرم. من این کار را برای فیلم «غارتگران» انجام دادم و واقعا از نتیجه‌اش راضی هستم. آن کارگردان (نمرود آنتال) واقعا کار حیرت‌انگیزی کرد.

از نظر شما تهیه‌کنندگی چطور است؟ آیا برایتان خیلی سخت است که از کنترلی که می‌توانید داشته باشید، چشم‌پوشی کنید؟

راستش بستگی دارد. در مورد «غارتگران» بحث کارگردانی من مطرح نشد، چرا که آنها همیشه کارگردان‌های مختلفی داشتند در نتیجه من حس کردم که باید این‌طور باشد، اگرچه من فیلمنامه را نوشته بودم اما من خلقش نکرده بودم. بنابراین این‌طوری نبود که بگویم «فقط من می‌دانم که چطور این داستان را بگویم.» در مورد «بچه‌های جاسوس» من حس می‌کنم تا به حال چهار قسمتش را ساخته‌ام. اگر ایده روشنی برای فیلم پنجم نداشته باشم و کس دیگری ایده‌ای داشته باشد، خب آن شخص در واقع بهتر از من کار را انجام خواهد داد. بنابراین یک جورهایی بستگی دارد.

منبع: ایندی وایر

تازه چه خبر دکتر جون؟

واکسن تازه دنی گلاور

■ دنی گلاور این روزها همزمان در سه فیلم- دو اثر سینمایی و یک فیلم تلویزیونی- بازی می‌کند و شش فیلم هم در مراحل فنی بعد از فیلمبرداری دارد. اما این بازیگر پرکار همچنان برای بستن قراردادهای تازه در تلاش است و احتمالا قصد دارد رکورد پرکاری ساموئل ال.جکسن را هر چه زودتر بشکند. تازه‌ترین فیلمی که صحبت از حضور دنی گلاور در آن به میان آمده، «منتریویل» نام دارد. به گزارش وارایتی، دنی گلاور قرار است در این فیلم نقش یک دانشمند مشهور را بازی کند که برای پدید آوردن واکسن جدید مقابله با ویروسی که از طریق هوا منتقل می‌شود، به استخدام یک شرکت داروسازی در می‌آید. او به‌زودی متوجه می‌شود که کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است و شرکت داروسازی به کارهایی غیر از آنچه در ظاهر نشان می‌دهد، مشغول است. در این فیلم دلهره‌آور شرکت استودیولاین به تهیه‌کنندگی گرگ استراسبورگ همچنین تیلور هندلی بازیگر جوان آثار تلویزیونی و وینی جونز حضور خواهد داشت اما نام کارگردان فیلم هنوز اعلام نشده است.

بتمن استاد می‌شود یا سوپرمن؟

■ بالاخره دو ابرقهرمان کتاب‌های مصور و فیلم‌های کامیک برای نجات دادن دنیا بر پرده نقره‌ای با یکدیگر هم‌پیمان شده‌اند و شایعات مبنی بر حضور آنها در یک فیلم در کنار هم قوت گرفته است. فیلمی که این دو ابرقهرمان در کنار هم در آن حضور داشته باشند، از تولیدات شرکت برادران وارنر خواهد بود و آن‌طور که در اخبار چندین سایت خبری صنعت سینمای هالیوود آمده است، وارنر برای به تصویر کشیدن این همکاری بعد از اکران فیلم تازه سوپرمن «مرد فولادین» به کارگردانی زاک اسنایدر در سال ۲۰۱۳ برنامه‌ریزی می‌کند. طبق این شایعات، دو احتمال در مورد این فیلم وجود دارد؛ اگر کریستین بیل بپذیرد که بعد از فیلم تازه بتمن که در راه است، در آن فیلم هم حضور پیدا کند، بتمن در نقش استاد سوپرمن ظاهر خواهد شد و سوپرمن جوان را برای مقابله با تهدید اشراری که می‌خواهند دنیا را در دست بگیرند، آموزش خواهد داد. در غیر این صورت، هنری کاویل در نقش سوپرمن، استاد خواهد بود و بروس وین جوان را تعلیم می‌دهد تا بتمن شود.

درباره فیلم «یک روز»

تکرار یک روز طی ۲۰ سال

ریچل دادز/ترجمه: فرید الوندی‌پور

فیلم «یک روز» (One Day) براساس رمانی با همین نام، نوشته دیوید نیکولز ساخته شده است. این رمان که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد، به یک روز از زندگی دو دوست طی ۲۰سال می‌پردازد؛ روز ۱۵جولای. به این معنا که وقایع موجود در این یک روز را طی ۲۰سال روایت می‌کند؛ مثلا ۱۵جولای سال ۱۹۹۰، ۱۵جولای سال ۱۹۹۱ و... این دو دوست، دکستر می‌هو و اما مورلی نام دارند و جیم استورجس و آن هاثاوی نقش آنها را بازی می‌کنند. تفاوت اصلی که بین فیلم و رمان وجود دارد این است که در فیلم فقط هشت‌سال از این ۲۰سال به تصویر کشیده شده است.

فیلمنامه «یک روز» را هم خود آقای نیکولز نوشته و لون‌شرفیگ آن را کارگردانی کرده است. تبدیل یک رمان ۴۳۵صفحه‌ای به یک فیلمنامه صددقیقه‌ای، مهم‌ترین چالشی بود که نیکولز با آن روبه‌رو بود. او می‌گوید: «اگر می‌خواستم روزهای هر ۲۰سال را در فیلمنامه لحاظ کنم، باید پنج‌دقیقه برای هر روز وقت اختصاص می‌دادم.» بنابراین او در فیلم فقط به رویدادهای هشت‌سال از این ۲۰سال می‌پردازد و اضافه می‌کند: «این رمان، گزینه چندان مطلوبی برای اقتباس سینمایی نبود.» ایده تبدیل این رمان به فیلم، متعلق به بخش سینمایی یک انتشارات معروف بود؛ انتشارات «رندوم هاوس.» بخش سینمایی این انتشارات به همراه کمپانی فاکس فیچر در سال ۲۰۰۸؛ یعنی پیش از آنکه این کتاب تبدیل به یکی از پرفروش‌ترین‌ها در بریتانیا شود، تصمیم گرفتند به طور مشترک فیلمی براساس آن تهیه کنند. همزمان انتشارات رندوم هاوس امتیاز انتشار این رمان در آمریکا را به دست آورد. «پیتر گدرز»، مدیر رندوم هاوس فیلمز، می‌گوید پروژه «یک روز» پرهزینه‌ترین پروژه بخش سینمایی انتشارات رندوم هاوس از زمان تاسیس آن در سال ۲۰۰۵ است. مسوولان رندوم هاوس فیلمز از گفتن رقم دقیق بودجه «یک روز» اجتناب کرده و صرفا گفته‌اند که هزینه آن کمتر از ۲۰ میلیون دلار بوده است. (رندوم هاوس پیش از این در سال ۲۰۰۷، فیلم Reservation Road را تهیه کرده بود؛ فیلمی ناموفق که فقط ۱۲۱میلیون دلار فروش کرد.)

«یک روز» از ۱۹ آگوست (۲۹ مرداد)، در آمریکا اکران می‌شود. رندوم هاوس از موفقیت این فیلم تقریبا مطمئن است، چرا که رمان یک روز با استقبال خوانندگان روبه‌رو شد و ۸۰۰هزار نسخه به صورت کتاب و صدهزار نسخه به صورت کتاب اینترنتی (e-book)، فروش داشت. رندوم‌هاوس برای اینکه موفقیت فیلم را تضمین کند، ترتیبی داد تا رمان با تاخیر یکساله در آمریکا چاپ شود؛ در ژوئن سال ۲۰۱۰. به این ترتیب انتشار رمان در آمریکا همزمان شد با آغاز فیلمبرداری نسخه سینمایی یک روز. بر روی جلد کتابی که در آمریکا چاپ شد، تصویری از آن هاثاوی و جیم استورجس، ستارگان فیلم، به چشم می‌خورد.

نینا جاکوبسن، رییس پیشین کمپانی «والت دیسنی موشن پیکچر گروپ» و تهیه‌کننده فیلم، پیشنهاد داد که نویسنده رمان، دیوید نیکولز، خود، فیلمنامه «یک روز» را بنویسد. نیکولز که در زمینه نوشتن فیلمنامه‌های مجموعه‌های تلویزیونی فعال است، پیش از این سه رمان دیگر نوشته بود. او در سال ۲۰۰۶ فیلمنامه فیلم Starter for Ten را براساس یکی از رمانهایش با همین نام نوشت.

نیکولز می‌گوید اقتباس از رمان «یک روز» کار پراسترسی بود، زیرا او مجبور بود بخش‌های زیادی از رمان، از جمله قسمت‌هایی را که اختصاص به نامه‌نگاری‌های کاراکترها داشت، حذف کند. این نامه‌نگاری‌ها در پیرنگ رمان از اهمیت خاصی برخوردار بود. نیکولز می‌گوید: «همه از من می‌خواستند که بخش‌های مربوط به نامه‌نگاری‌ها را حذف کنم و از نریشن هم برای انتقال متن این نامه‌ها استفاده نکنم.» به این ترتیب یکی از فصل‌های مهم کتاب، که ماجرایش در ۱۵جولای سال ۱۹۹۰ رخ می‌داد از فیلم حذف شد. در این فصل، دکستر بیست‌وچند ساله، نامه‌ای بلند به «اما» می‌نویسد و از او می‌خواهد شغل ناموفقش در یک رستوران مکزیکی را رها کرده و به او بپیوندد. ولی این نامه هرگز به «اما» نمی‌رسد. یکی از مراحل مهم و چالش‌برانگیز این فیلم، چهره‌پردازی بود. فیلم زندگی شخصیت‌های داستان را طی یک مدت زمان نسبتا طولانی به تصویر می‌کشد. در نتیجه سن بازیگران باید به‌وسیله چهره‌پردازی تغییر می‌کرد. سن خانم هاثاوی و اقای استورجس که خارج از فیلم به ترتیب ۲۸ساله و ۳۰ساله هستند، در ابتدای داستان ۲۰ و در انتهای آن حدود ۴۰سال است. گریمورهای فیلم با استفاده از کلاه‌گیس و آرایش‌های مختلف، سن شخصیت‌ها را در فصل‌های مختلف فیلمنامه تغییر دادند.

دیوید نیکولز

همان‌طور که گفته شد، کمپانی رندوم هاوس از موفقیت این فیلم مطمئن است. باید تا چند روز دیگر صبر کرد (این مقاله پیش از اکران فیلم نوشته شده است) و دید که آیا پیش‌بینی این کمپانی درست از کار در می‌آید یا نه.

منبع: وال استریت ژورنال

جدول ۱۳۰۰

افقی:
۱- ما بعدالطبیعه - شهری در چهارمحال بختیاری ۲- جانوری با زهر کشنده - معلق - چروک پوست ۳- نرده چوبی - خوشه برنج - عرب ۴- آغوش - گردنبند اسارت - حرف فاصله - کتاب دینی یهودیان ۵- خوک - شهری در سودان ۶- عزا - حسرت - آینده ۷- گندم کوبیده - خانه‌های شعری - برابر ۸- پایتخت بنگلادش - وسیله‌ای برای حمل لوازم یدکی - نافرمانی ۹- بنیادها - اثر، تاثیر - درخت کنار ۱۰- جمع رد - همراه اسطرلاب - زینت‌رو ۱۱- شهر کرمان - از زبان‌های رسمی ۱۲- فقیر، نیازمند - خاندان - اورنگ - اصفهان قدیم ۱۳- گیاه چتردار - از اصول دین - به رهن گذاشته شده ۱۴- منع کردن - نامی دخترانه - لقب حضرت ابراهیم ۱۵- حالت بین نشسته و برخاسته - تابلو معروف لئوناردو داوینچی

عمودی:
۱- مقام و منزلت - بشر - قانونگذار ۲- قوم مغول - رویای تشنه لب - روزنامه ژاپنی ۳- جوش‌های ریز بدن - اتوماتیک - بخشنده ۴- کاشف پنیسیلین - نویسنده رمان چهره‌ها ۵- درنده جنگلی - پول چین - عدد هندسی ۶- به‌دنیا آوردن - از آرای دادگاه - ورزش - سرحد ۷- زادگاه نیما - میوه قابل برداشت - چراننده گله ۸- واحد پول میانمار - خالق اثر خشم وهیاهو - واجب و ضروری ۹- ناسازی - به کمال رسیدن - نوبت بازی ۱۰- جوانمرد - یازده - سازمان امور آبزیان - رودشولوخف ۱۱- سودای ناله - پراکندگی - دانه گیاه ۱۲- جهانگرد - دریچه‌ای در قلب ۱۳- متحرک - نویسنده «ویکتوریا» - جواب‌های ۱۴- کم بها - موسیقیدان ایتالیایی قرن ۱۹ خالق اپرای ایدا واتللو - پروانه کسب ۱۵- شب انگلیسی - رهبر حزب - اشاره جمع به نزدیک

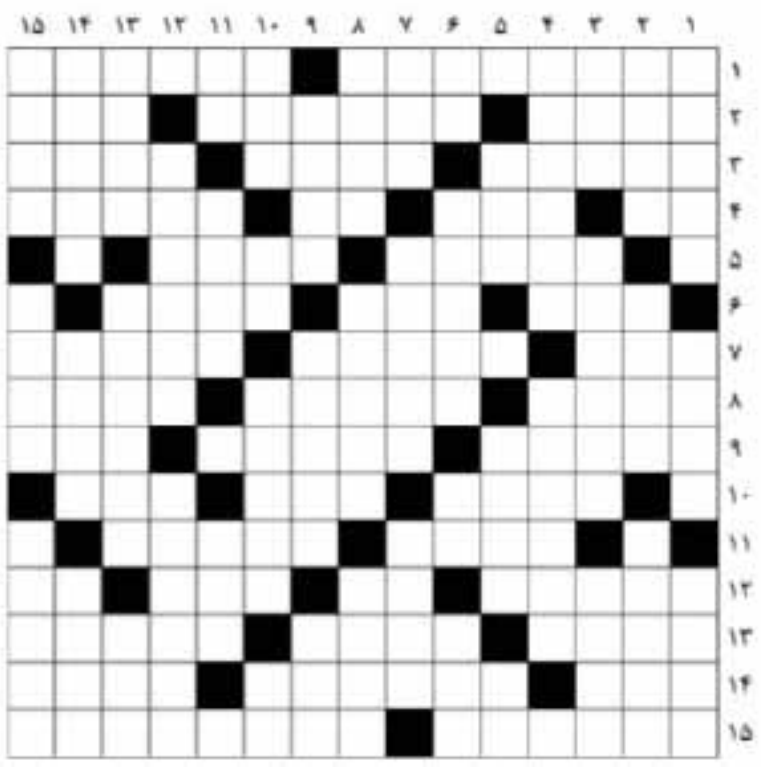

حل جدول ۱۲۹۹

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۳۰۳

	۵					۴		۹
۱	۷			۲		۵		
	۳	۹	۶			۱		
۳	۱							۲
۲		۴				۹		۵
۷							۸	۶
		۷	۴					
۸		۱						۷
		۳	۸					۴

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

حل سودوکو ۳۰۲

۱	۶	۲	۳	۴	۷	۵	۹	۸
۹	۴	۳	۵	۶	۸	۲	۷	۱
۷	۸	۵	۹	۲	۱	۳	۶	۴
۳	۱	۶	۸	۹	۴	۷	۵	۲
۸	۲	۹	۷	۵	۶	۴	۱	۳
۵	۷	۴	۲	۱	۳	۹	۸	۶
۴	۵	۸	۶	۳	۹	۱	۲	۷
۲	۳	۷	۱	۸	۵	۶	۴	۹
۶	۹	۱	۴	۷	۲	۸	۳	۵